سیاست و حقوق

واکاوی مجدد ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ . . ۴

گفت‌وگو دکتر با بهرامی ۵

سیاست بین‌الملل

در نقد عقاید سیاسی محمدعلی فروغی ۶

وزیر کشوری که نقش بلر را خوب بازی می‌کند ۷

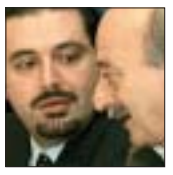

سیاست بین‌الملل

استقرار نیروهای ارتش لبنان ۸

لبنان به ارتشی جدید نیاز دارد ۹

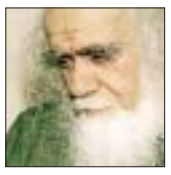

افکار

رفاه اقتصادی معیشتی در روزگار ظهور ۱۰

پیام مقام معظم رهبری به حزب‌الله لبنان

همه باید در برابر سم‌پاشی‌ها و تردیدافکنی‌های دشمن بیدار باشند

ایسنا: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی خطاب به حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان پیروزی مقاومت اسلامی را پیروزی اسلام و موجب عزت ملت‌های عرب و شکسته شدن هیبت دروغین ارتش رژیم صهیونیستی دانستند و تصریح کردند: دشمن اکنون درصدد پاشیدن ویروس بی‌صبری و تردید در مردم و ایجاد اختلاف میان سیاستمداران لبنان است؛ اما شما در خنثی کردن این توطئه‌ها موفق خواهید شد و پیروزی دومی به‌دست خواهید آورد.

متن پیام ولی امر مسلمین به این شرح است:

برادر مجاهد و بسیار عزیز جناب آقای سیدحسن نصرالله ادام‌الله عمره و عزه و عافیه

سلام علیکم بما صبرتم

درود بر شما و بر دیگر برادران و بر یکایک مجاهدان حزب‌الله

آنچه شما با جهاد و مقاومت بی‌نظیر خود به امت اسلامی هدیه کرده‌اید از حد توصیف این جانب بالاتر است، جهاد دلاورانه و مظلومانه شما که نصرت الهی را به شما ارزانی داشت، بار دیگر ثابت کرد که سلاح‌های مدرن و مرگبار در برابر ایمان و صبر و اخلاص، ناکارآمد است و ملتی که ایمان و جهاد دارد مغلوب سیطره قدرت‌های ستمگر نمی‌شود.

پیروزی شما پیروزی اسلام بود، شما توانستید به حول و قوه الهی ثابت کنید که برتری نظامی به ابزار و سلاح و هواپیما و ناو و تانک نیست، به قدرت ایمان و جهاد و فداکاری همراه با عقل و تدبیر است، شما برتری نظامی خود را بر رژیم صهیونیستی تحمیل کردید، تفوق معنوی خود را در ابعاد منطقه‌ای و جهانی تثبیت نمودید، افسانه شکست‌ناپذیری و هیبت دروغین ارتش صهیونیست را به سخره گرفتید و آسیب‌پذیری رژیم غاصب را به نمایش گذاشتید، شما به ملت‌های عرب، عزت بخشیدید و توانایی‌های آنان را که ده‌ها سال به وسیله تبلیغات و سیاست‌های استکباری انکار شده بود، در صحنه عمل به همه نشان دادید.

آنچه اتفاق افتاد حجتی از سوی خداوند بر همه دولت‌ها و ملت‌های اسلامی و به‌ویژه در منطقه خاورمیانه است، شما بار دیگر مصداق این کلام نورانی قرآن شدید: «قد کان لکم آیه فی فئتین التقتا فئه تقاتل فی سبیل‌الله و اخری کافره یرونهم مثلیهم رای العین و الله یوید بنصره من یشاء ان فی ذالک لعبره لاولی الابصار» این اولوالابصار، امروز توده‌های میلیونی و جوانان غیور و مومن در کشورهای منطقه و سیاسیون سالم و زمامداران و رهبران مستقل و خردمندند. جهاد مظلومانه شما، دشمن را افشا کرد و چهره حقیقی او را به نمایش گذاشت، کشتار بی‌رحمانه مردم غیرنظامی، به خاک و خون کشیدن کودکان بی‌گناه و زنان بی‌دفاع، حادثه قانا و نظائر متعدد آن، ویران‌سازی هزاران خانه و کاشانه و آواره کردن هزاران خانواده، نابود کردن زیرساخت‌های بخش مهمی از لبنان و فجایعی از این قبیل چهره حقیقی زمامداران آمریکا و برخی دولت‌های اروپایی را در کنار چهره کریه و منفور رژیم صهیونیستی به همه نشان داد. نشان داد که شعارهای منافقانه آنها در باب حقوق‌بشر و آزادی و دموکراسی چقدر آلوده به دروغ و فریب و رذالت است. نشان داد که وقتی زمامداران کشورها از رحم و شفقت و منطق و صداقت بیگانه باشند چه فجایعی ممکن است برای جامعه انسانیت پیش بیاید، سخنان اخیر رئیس‌جمهور آمریکا در دفاعی قلمداد کردن جنایات رژیم صهیونیستی و ادعاهای خنده‌آور او درباره پیروز شدن اسرائیل در جنگ لبنان نمونه روشنی از این بی‌رحمی و شقاوت و بی‌منطقی را در برابر چشم همه گذاشت.

و اما لبنان. . . و ما ادراک ما لبنان. . . لبنان به برکت همت و شجاعت مردم خود درخشید. دشمن به غلط پنداشته بود که با حمله به لبنان ضعیف‌ترین حلقه کشورهای منطقه را هدف قرار می‌دهد و طرح وهم‌آلود خاورمیانه دلخواه خود را کلید می‌زند. دشمن یعنی آمریکا و اسرائیل از صبر و هوشمندی و دلاوری ملت لبنان غافل بود، از توانایی بازوان ستبر لبنان غافل بود، از سنت الهی «. . . کم من فئه قلیله غلبت فئه کثیره باذن‌الله و الله مع الصابرین» غافل بود. ملت لبنان و جوانان دلاور و سیاستمداران هوشمندش با سیلی سخت خود او را از این غفلت بیرون آوردند، دشمن اکنون درصدد بریدن این بازوی توانا و کارآمد است. درصدد ایجاد اختلاف میان سیاستمداران است، درصدد پاشیدن ویروس بی‌صبری و تردید در مردم است. همه باید در برابر این سم‌پاشی‌ها بیدار باشند، به حول و قوه الهی شما در خنثی کردن توطئه‌های آنان موفق خواهید شد و پیروزی دومی به دست خواهید آورد. ان‌شاءالله جهادی که اکنون در این میدان جدید، پیش‌روی شما است مانند جهاد فداکارانه شما در میدان نظامی، حائز اهمیت و در آن صبر و توکل و اخلاص و تدبیر، تعیین‌کننده است. به شما و دیگر برادران و دلاوران عرصه جهاد درود می‌فرستم و دست و بازوی همه شما را می‌بوسم.

دیدار دبیرکل حزب‌الله لبنان با مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۴ - عکس: سامان فراهی، ایسنا

■ تشکر نماینده حزب‌الله لبنان در تهران

همچنین عبدالله صفی‌الدین نماینده حزب‌الله در تهران درخصوص حمایت‌های ایران از مقاومت اسلامی اطلاعیه‌ای صادر و از این اقدام تشکر کرد. در این اطلاعیه خطاب به مردم و مسئولان ایران آمده است: بی‌شک حمایت‌های بی‌دریغ و گسترده شما ملت شجاع و مجاهد از ملت و مقاومت لبنان، پشتوانه عظیم وامیدبخش و عاملی روحیه‌بخش در سربلندی و پیروزی این امتحان الهی به شمار می‌رود.

برکات و عبرت‌های مقاومت لبنان

دکتر علی مطهری

بدون شک نبرد حماسی حزب‌الله با اشغالگران و متجاوزان صهیونیست فصل جدیدی در مسئله فلسطین گشوده و این نبرد برکات و عبرت‌هایی داشته است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- توهم بودن قدرت افسانه‌ای اسرائیل بر همگان آشکار شد. معلوم شد آنچه که مسلمانان را از پیروزی دور نگه داشته ترس از قدرت این رژیم غاصب است نه قدرت واقعی آن. بار دیگر داستان مسجد مهمان‌کش تحقق یافت که «بیرون شهر اصطخر پرستشگاهی بود که مسافران به هنگام شب از ترس تاریکی به درون آن پناه می‌بردند ولی هر کس که درون آن می‌رفت به طرزی مرموز در می‌گذشت. کم‌کم همه مسافران از این پرستشگاه ترسیدند و هیچ‌کس پروای آن را نداشت که شب را در آنجا بگذراند، تا سرانجام مردی که از زندگی بیزار و خسته شده بود ولی اراده‌ای نیرومند داشت به درون پرستشگاه رفت. صداهای سهمگین و هراس‌انگیز از هر گوشه برخاست که او را به مرگ تهدید می‌کرد، ولی مرد نترسید و فریاد زد: پیش آیید که از زندگی خسته شده‌ام. با همین فریاد یک‌باره صدای انفجاری برخاست و طلسم پرستشگاه شکسته شد و از شکاف دیوارهایش گنجینه‌های معبد پیش پای مرد فرو ریخت. بدین‌سان آشکار شد آنچه مسافران را می‌کشته ترس از خطری موهوم بوده است.» بی‌تردید حزب‌الله لبنان طلسم اسرائیل را شکسته است.

۲- عدم مقاومت جدی مردم افغانستان و عراق در مقابل متجاوزان آمریکایی و انگلیسی که بیشتر ناشی از کینه‌ای بود که از حکومت‌های ظالم خود داشتند و عدم مخالفت جدی کشورهای اسلامی با اشغال این دو کشور که باز ناشی از کینه‌ای بود که با حکومت‌های آنها داشتند- و هردو اشتباه بود و آمریکا و انگلیس به بهترین نحو از این کینه‌ها بهره‌برداری کردند- قضاوتی در مردم جهان پدید آورد که اساساً مسلمانان مردمی بی‌غیرت‌اند و به آسانی می‌توان سرزمین‌های اسلامی را تصرف کرد. مقاومت اسلامی لبنان این لکه سیاه را از دامن مسلمین پاک کرد و نشان داد مسلمانان تا چه حد در دفاع از وطن اسلامی جدی هستند.

۳- ماهیت سازمان مشکوک القاعده آشکارتر شد. پس از تهاجم اسرائیل نه تنها هیچ اقدامی علیه صهیونیست‌ها توسط این سازمان انجام نشد بلکه کشتار مسلمانان و خصوصاً شیعیان در عراق هم‌زمان با نبرد حزب‌الله با متجاوزان صهیونیست تشدید شد. این امر ثابت می‌کند که افسار این سازمان در دست موساد و سیا است هر چند خودشان ندانند و به خیال خود در راه اسلام مجاهده می‌کنند.

۴- بار دیگر روشن شد که جامعه اسلامی همواره از داخل تهدید می‌شود. نفاق برخی دولت‌های کشورهای اسلامی که نابودی حزب‌الله را به اسرائیل توصیه کرده و برای آن لحظه‌شماری می‌کردند به این خیال که تومار حیات حزب‌الله ظرف دو سه روز بسته خواهد شد آشکارتر شد. معلوم شد که جامعه اسلامی بیشتر از آنکه از کفار و از دشمن خارجی مانند اسرائیل و آمریکا ضربه بخورد از منافقان داخلی ضربه می‌خورد. چنان‌که در گذشته حادثه سپتامبر سیاه که در آن تعداد زیادی از فلسطینی‌ها قتل‌عام شدند توسط دولت وقت اردن پدید آمد. چه خوب گفت رهبر گرانقدر حزب‌الله خطاب به برخی از سران عرب که ما از شما انتظار کمک نداریم، فقط می‌خواهیم بی‌طرف باشید (یعنی از اسرائیل حمایت نکنید). اکنون نبرد حماسی حزب‌الله در حال پس زدن نقاب از چهره این منافقان است. حسنی مبارک گفته است ما وارد این جنگ نمی‌شویم زیرا این جنگ، جنگ ما نیست. آری این جنگ، جنگ شما نیست، جنگ شما جنگی است که موجودیت رژیم صهیونیستی و موجودیت جاهلیت عرب را تحکیم بخشد و حرمسراهای شما و مراکز فساد و فحشا را استوارتر گرداند و اسلام را در گوشه مسجدها محصور سازد. در داخل کشورمان نیز متاسفانه با مسئله نفاق مواجه هستیم. برخی روزنامه‌ها خصوصاً در روزهای اول مقاومت مقدس حزب‌الله به‌گونه‌ای تیتر و سرمقاله زدند که گویی از پیروزی‌های حزب‌الله ناراحت و در انتظار شکست این گروه مخلص اسلامی هستند.

۵- با رشادت و مقاومت جانانه‌ای که حزب‌الله از خود نشان داد سختی جنگ با ایران برای آمریکا و انگلیس آشکارتر شد. غربی‌ها در تحلیل‌های خود حزب‌الله را نمونه کوچکی از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی معرفی می‌کنند و می‌گویند مشت نمونه خروار است. آنها در مقالات خود از سپاه پاسداران با صفت powerfull یعنی قدرتمند نام می‌برند. اکنون این سئوال برای آنها مطرح است که اگر مسئله هسته‌ای ایران را به جنگ بکشانند چگونه می‌خواهند با نیروی نظامی ایران که از نظر ایمان و قدرت معنوی همان حزب‌الله است و از نظر تعداد نفرات و تجهیزات پیشرفته قابل قیاس با آن نیست روبه‌رو شوند.

۶- این جنگ اهمیت و ارزش امامت و رهبری در شیعه را هویدا کرد. شیعیان چون به امامت و ولایت فقیه معتقدند، نیروهایشان متمرکز می‌شود و هرز نمی‌رود لذا در نهضت‌ها و حرکت‌های اجتماعی و در جنگ‌ها معجزه می‌کنند. اسرائیل به اعتراف فرماندهان ارتش خود تاکنون با چنین نیرویی مواجه نشده بود، چون تاکنون با اسلام ناب مواجه نشده بود. او بیشتر با ناسیونالیسم عرب مواجه شده است که به یک معنی خلاف اسلام است گرچه چند سالی است که با گروه‌های اسلامی حماس و جهاد اسلامی نیز روبه‌رو شده و درمانده است.

آری، رهبری و مدیریت درست از ضعیف‌ترین ملت‌ها قوی‌ترین ملت‌ها را می‌سازد. لبنان کنونی همان لبنان سال ۱۹۸۲ است که ظرف چند روز تمام جنوب آن و بیروت به تصرف اسرائیل درآمد اما اکنون چهار هفته است که ارتش متجاوز صهیونیست پشت مرزهای آن باقی مانده و ضربات مهلکی دریافت کرده است.

۷- جنگ کنونی نشان داد که جنایت برای غربی بسیار آسان است. غربی به دلیل جهان‌بینی مادی و تعصب نژادی خود و اینکه خود را انسان برتر می‌داند و انسان شرقی را انسان درجه دو بلکه حیوان می‌شمارد به‌راحتی کشتار می‌کند، زنان و کودکان را قتل‌عام می‌کند و به‌دلیل قدرت زیاد بر نفاق همه اینها را به پای گسترش دموکراسی و آزادی می‌نویسد. چنان‌که در جنگ بوسنی و در کوزوو مسلمانان را به آسانی قتل‌عام کرد و در جنگ‌های صلیبی نیز کشتارهای فجیعی از مسلمانان کرد که مورخان باوجدان و منصف خود آنها ضمن اعتراف به این جنایات وحشتناک نتوانسته‌اند از ابراز شرمندگی خودداری کنند. به تعبیر شهید آیت‌الله مطهری «شرقی از نظر جنایت هرگز به پای غربی نمی‌رسد». در این جنگ بار دیگر خوی حیوانی غربی در فجایعی مانند فاجعه قانا هویدا شد.

۸- یکی از عبرت‌هایی که ایران اسلامی از این ماجرا باید بگیرد این است که می‌بایست تنها متکی به خود باشد. اگر جنگ را بر ما تحمیل کنند به‌هیچ کشوری نباید امید داشت. دیگران حداکثر متجاوزان را محکوم می‌کنند و تظاهرات برگزار می‌نمایند از اقدام عملی خبری نیست یا بسیار اندک است. اکثر قریب به‌اتفاق کشورها تماشاچی صحنه‌اند و صحنه‌های جنگ را مانند یک فیلم مستند تماشا می‌کنند و اگر مردمی بخواهند عملاً کمک کنند دولت آنها مانع می‌شود. حتی به روسیه و چین نباید متکی بود آنها در نهایت همراه غرب خواهند بود. بلاتشبیه، در ماجرای عراق، فرانسه و روسیه به صدام اطمینان داده بودند که حمله‌ای صورت نخواهد گرفت و مانع خواهند شد اما پس از آنکه تجاوز آمریکا و انگلیس آغاز شد بعد از چند اعتراض لفظی عملاً با آنها همراه شدند. برخی دولت‌های کشورهای اسلامی نیز همچون اکنون که منتظر انهدام حزب‌الله هستند در انتظار فروپاشی جمهوری اسلامی از میدان به در کنند، و امروز وضعیت عراق است که باعث شده اشغال این سرزمین به درازا بکشد. کلید حل این مشکل در دست روحانیون و عالمان دینی شیعه و سنی است که راه بزرگانی چون آیت‌الله بروجردی و امام خمینی در شیعه و شیخ محمود شلتوت در اهل سنت را ادامه دهند. به تعبیر شهید آیت‌الله مطهری به نقل از مرحوم آیت‌الله بروجردی مسئله شیعه و سنی دو بخش دارد؛ یکی مربوط به گذشته و یکی مربوط به زمان حال. آنچه مربوط به گذشته است یک مسئله تاریخی است که از نظر شیعه باید آنچنان می‌شد و نشد و از نظر اهل سنت آنچه اتفاق افتاد همان است که باید رخ می‌داد و در این قسمت کاری از دو طرف ساخته نیست و البته بحث علمی و گفت‌وگو مانعی ندارد. و آنچه مربوط به زمان حال است این است که ما دشمنان مشترک داریم و حفظ اسلام بالاتر از هر چیز دیگر است. سیره علی علیه‌السلام در این مسئله بهترین هادی و برترین الگو است. آن حضرت وقتی از بازستاندن حق خود ناامید شد به خاطر حفظ اسلام و وحدت مسلمین سکوت اختیار کرد و حتی گاهی با خلفا همکاری نمود بدون آنکه از سوی آنها منصبی را بپذیرد.

۱۰- این جنگ بار دیگر پیروزی ایمان و اراده را بر سلاح و تجهیزات به اثبات رساند. یکی از افسران صهیونیست که در منطقه مارون‌الرأس با مجاهدان حزب‌الله روبه‌رو شده می‌گوید: آنها افراد خاصی هستند، ماموریتی را که به آنها محول شده است بدون ترس از کشته شدن و در زیر رگبار گلوله‌ها و مسلسل‌ها به راحتی انجام می‌دهند. آری، این چیزی است که آمریکا و انگلیس و اسرائیل هیچ سلاحی برای خنثی کردن آن ندارند.

در پایان ذکر چند نکته ضروری به نظر می‌رسد. اول اینکه اسرائیل و آمریکا و برخی شیوخ عرب مسئله آغازکننده جنگ را مطرح کردند. باید گفت مردمی که سرزمینشان اشغال شده، هر زمانی حق دارند به اشغالگر حمله کنند. مردم فلسطین، لبنان، سوریه و اردن هر زمانی که اراده کنند حق دارند به اسرائیل حمله کنند. در اینجا اصلاً مسئله «آغازکننده» معنی ندارد. یکی از هنرهای غربی‌ها در سال‌های اخیر همین بوده است که بسیاری از حقایق را وارونه کرده‌اند. اشغالگر و مهاجم به عنوان مظلوم و مدافع و آزادیبخش معرفی شده و مجاهد و مدافع سرزمین خود ظالم و تروریست نامیده شده است. غربی‌ها کمک‌های خود به اسرائیل را علنی و با افتخار انجام می‌دهند، اما ما مسلمانان مخفیانه و احیاناً با خجالت و شرمندگی که داریم به عده‌ای تروریست کمک می‌کنیم، به فلسطینی‌ها و لبنانی‌ها کمک می‌رسانیم و در رسانه‌ها نیز کمک‌رسانی خود را انکار می‌کنیم و این یک پیروزی تبلیغاتی برای دشمن است. از نظر نگارنده باید همه امدادهای کشورهای اسلامی حتی ارسال سلاح و اعزام سرباز به صورت علنی و آشکار باشد تا واقعیت و ماهیت طرفین نزاع وارونه جلوه نکند. نکته دوم این است که حساب ملت‌ها از حساب دولت‌ها جدا است. لازم نیست داوطلبان توسط دولت‌ها اعزام شوند. دولت‌ها ممکن است محظوراتی - درست یا غلط - داشته باشند که قادر به انجام این کار نباشند. مسلمانانی که در خود توان رزم چریکی و شوق جهاد با کفار احساس می‌کنند و با زبان عربی نیز آشنا هستند نباید منتظر فرمان دولت‌هایشان باشند و این مسئله، ایرانی و مصری و عراقی و سودانی و پاکستانی و اروپایی و آمریکایی و شیعه و سنی نمی‌شناسد زیرا تمام اسلام در برابر تمام کفر قرار گرفته و این جنگ شبیه جنگ احزاب در صدر اسلام است. مطابق سخن معصوم فرار از جهاد موجب ذلت و خواری است، همچنان که مسلمانان در شصت سال اخیر آنچنان که باید به تکلیف جهاد خود عمل نکردند و امروز تحت سلطه غربی‌ها هستند و البته طلیعه نجات نمایان شده است. فشاری که امروز به مسلمین وارد می‌شود نتیجه خواب دویست ساله آنها است. اکنون باید چند سال سختی تحمل کنند و تقاص آن خواب طولانی را پس بدهند تا عزت را که به تعبیر قرآن کریم ویژه مومنین است بازیابند. به هر حال یکی دیگر از حلقات جنگ حق و باطل که در طول تاریخ همواره برقرار بوده و در یک‌سو انسان‌های به عقیده و آرمان الهی رسیده و در سوی دیگر انسان‌های پست منحط حیوان‌صفت قرار دارند هم‌اکنون در جریان است، مهم این است که ما در کدام صف واقع شده‌ایم، آیا اگر جهاد به جان برایمان مقدور نیست جهاد به مال داریم یا خیر؟ آیا به وظیفه همبستگی اسلامی که مسلمین در واقع یک پیکر هستند، چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار، عمل می‌کنیم یا خیر؟ اکنون وقت اثبات صداقت در عزاداری‌ها و سینه‌زنی‌ها است، اگر اقدامی نکنیم معلوم می‌شود آن عزاداری‌ها صرفاً از روی عادت و برای سرگرمی بوده است. باید ثابت کنیم که به تعبیر شهید مطهری شمر امروز اولمرت است، شمر هزار و چهارصد سال پیش مرد.

ایران و چین اتحاد عظیمی پدید آورده‌اند

آزاده افتخاری

سی‌وشش سال پس از آغاز روابط دیپلماتیک ایران و چین، دو کشور به الگویی مثال‌زدنی در عرصه گسترش روابط خارجی و اقتصادی تبدیل شده‌اند، که با وجود مشکلات پیش‌رو- شامل فشار ایالات متحده- همچنان در جهت تقویت روابط گام برمی‌دارند. روابط دو تمدن کهن آسیا، به قرن‌ها قبل بازمی‌گردد، اما در دوران ظهور اسلام، جاده ابریشم به پل ارتباطی دو کشور و آغازی برای تعاملات اقتصادی، تبدیل شد. پس از برقراری روابط دیپلماتیک تهران- پکن (۱۶ اوت ۱۹۷۱) مقامات حزب کمونیست چین آخرین افرادی بودند که پیش از خروج محمدرضا پهلوی از ایران با وی ملاقات کردند و عباس ملکی مدیر موسسه تحقیقاتی خزر این ملاقات را خاطره‌ای تلخ توصیف می‌کند که در ذهن ایرانیان به یادگار مانده است. پس از انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۷) رشد جمعیت ایران و لزوم واردات کالاهای مصرفی از یک سو و از سویی دیگر تقاضای روزافزون چین برای دسترسی به منابع انرژی و صادرات هنگفت تولیدات ارزان‌قیمت این کشور فصل نوینی در روابط تهران- پکن پدید آورد. همزمان با تقویت روابط دیپلماتیک، تعاملات اقتصادی ایران و چین رفته‌رفته گسترش یافت و همزمان با سی‌امین سالگرد آغاز روابط دیپلماتیک دو کشور (آگوست ۲۰۰۱) حجم روابط تجاری دو طرف که در دوران قبل از انقلاب حدود ۶۰ میلیون دلار برآورد می‌شد به ۳/۳ میلیارد دلار رسید.

تعمیق روابط اقتصادی ایران و چین پس از کلید خوردن پرونده هسته‌ای ایران، پیچیدگی‌های سیاسی جدیدی را به همراه داشت.

در سال ۲۰۰۴ در حالی که ایالات متحده تلاش می‌کرد به بهانه فعالیت‌های هسته‌ای ایران، تهدید اعمال تحریم‌های بین‌المللی را عملی کند، تهران و پکن تفاهمنامه‌های کلان و درازمدتی در زمینه انرژی منعقد کردند. در نیمه دوم سال ۲۰۰۴، دو طرف تفاهمنامه‌ای یک‌صد میلیارد دلاری برای واردات نفت از میدان نفتی یادآوران ایران منعقد کردند و پس از چندی قرارداد ۲۰ میلیارد دلاری خرید گاز مایع از ایران طی یک دوره ۲۵ ساله در صدر اخبار جهان قرار گرفت. به عقیده بسیاری از تحلیلگران، چین پس از ایالات متحده دومین مصرف‌کننده بزرگ انرژی در جهان است که منابع محدود انرژی آن ظرف ۱۰ سال آینده به پایان می‌رسد. بنابراین حقیقت وابستگی چین به منابع انرژی، تضمینی برای استحکام روابط تهران- پکن طی ربع قرن آینده به شمار می‌آید. از سوی دیگر چین به‌عنوان عضو دائم شورای امنیت، رای وتوی آن را در اختیار دارد و تعاملات اقتصادی تهران- پکن، اهرم فشار ایران در راه مخالفت با سیاست‌های آمریکا به شمار می‌آید.

حتی برخی بر این باورند که هجوم کالاهای چینی به ایران یک استراتژی آگاهانه است که ایرانیان برای افزایش بهره‌وری چین در صحنه رویارویی با آمریکا آن را دنبال می‌کنند. بنابر آمار منتشر شده حجم روابط تجاری ایران و چین در سال ۲۰۰۵ به ۹/۲ میلیارد دلار رسید و در حال حاضر چین پس از آلمان با در اختیار داشتن ۸/۳ درصد بازار ایران، بزرگترین صادرکننده به این کشور به‌شمار می‌آید. کارشناسان می‌گویند میزان واردات ایران از چین در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ بیش از ۳۶۰ درصد افزایش یافته و این روند موجب شده که چینی‌ها در بخش صادرات کالا به ایران گوی سبقت را از ژاپن بربایند.

علی‌اکبر صالحی نماینده اسبق ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌گوید: «دو کشور یکدیگر را تکمیل می‌کنند. آنها صنعت دارند و ما نیز منابع عظیم انرژی را در اختیار داریم.» علاوه بر روابط گسترده ایران و چین در بخش انرژی، دو کشور در زمینه تبادل اطلاعات و انتقال تکنولوژی روز فعالیت می‌کنند.

به عقیده فرهاد اسدی کاردار ایران در چین همکاری‌های تهران- پکن بسیاری زمینه‌ها اعم از صنایع پایه و بخش‌های عمرانی را شامل می‌شود و هنوز بسیاری از زمینه‌های همکاری به فعلیت نرسیده است. این درحالی است که ایران و چین به‌عنوان دو قدرت بزرگ در آسیای میانه اهداف مشترک بسیاری دارند که از جمله آنها می‌توان به مخالفت دو کشور با بسط هژمونی آمریکا در منطقه اشاره کرد. منافع ملی ایران و چین با حضور نیروهای آمریکایی در آسیای میانه در تضاد است و حمایت چین از عضویت ناظر ایران در سازمان همکاری شانگهای نیز از این واقعیت ناشی می‌شود. تحلیلگران می‌گویند: بخشی از روابط ایران و چین به عکس‌العمل دو کشور در برابر سیاست‌های آمریکا مربوط می‌شود. استراتژی جورج بوش کنترل چین و ایران است و این روند یک اتحاد طبیعی میان تهران و پکن پدید می‌آورد. یکی دیگر از زمینه‌های همکاری مشترک ایران و چین از نگرانی دو کشور درخصوص گسترش گروه‌های تندرو ناشی می‌شود.

گسترش ناآرامی‌هایی که توسط گروه‌های تندرو پدید می‌آید، نه تنها برای ایران با اکثریت جمعیت شیعه بلکه برای چین با ۲۰ میلیون نفر جمعیت مسلمان زنگ خطری است که لزوم همکاری دو طرف را در این زمینه خاطرنشان می‌سازد. ابعاد همکاری‌های تاریخی، مذهبی، اقتصادی و تجاری ایران و چین بسیار پررنگ است و به‌نظر می‌رسد چین در دوراهی انتخاب ایران یا ایالات متحده همواره تامل کرده و در نهایت راهی را انتخاب کند که منافع درازمدت چین را تامین می‌کند.

خبرها

آقازاده به مسکو می‌رود

مهر: تحقیقات هسته‌ای ایران در تاسیسات غنی‌سازی اورانیوم نطنز در روزهای اخیر بار دیگر مورد بازدید بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار گرفت. یک منبع آگاه اعلام کرد: این بازرسی‌ها در چارچوب بازرسی‌های معمول و طبق پادمان موافقتنامه ان‌پی‌تی بوده است. این منبع آگاه همچنین با بیان اینکه تاریخ ارسال سوخت نیروگاه بوشهر و راه‌اندازی این نیروگاه هنوز نهایی نشده است خاطرنشان کرد: به زودی در سفر مهندس رضا آقازاده رئیس سازمان انرژی اتمی ایران به مسکو علاوه بر مباحث مهم جاری در این خصوص نیز توافق نهایی صورت خواهد گرفت.

انتقاد رقیب چاوس از رابطه با ایران

ایسنا: یک نامزد احتمالی انتخابات ریاست‌جمهوری ونزوئلا گفت در صورتی که بر مسند قدرت بنشیند با ایران رابطه برقرار نخواهد کرد.

فرود اجباری دو هواپیمای ایرانی در ترکیه

ایسنا: خبرگزاری فرانسه به نقل از مقامات ترک و گزارش‌های رسانه‌ای نوشت که ترکیه در پی ادعای رژیم صهیونیستی مبنی بر انتقال راکت و موشک از ایران به سوی حزب‌الله لبنان دو هواپیمای باری ایرانی را که به مقصد سوریه پرواز می‌کردند وادار به فرود کرده است. این خبرگزاری افزود: نامیک تان سخنگوی وزارت امور خارجه ترکیه مدعی شد که کشورش در راستای قوانین بین‌المللی برای جست‌وجوی راکت و دیگر تجهیزات نظامی، دو هواپیمای باری ایرانی را به فرود اجباری در شهر «دیاربکر» واداشته است. وی که روز پنجشنبه در کنفرانسی خبری صحبت می‌کرد، افزود: این یک روند معمولی بود.

تان درباره گزارشی که در روزنامه حریت منتشر شده بود، صحبت می‌کرد. در این گزارش آمده بود دو هواپیمای ایرانی در حال پرواز به مقصد سوریه در تاریخ‌های ۲۷ ژوئیه (۵ مرداد) و هشت اوت (۱۷ مرداد) مجبور شدند در «دیاربکر» فرودآیند و این کار در پی گزارش محرمانه رژیم صهیونیستی صورت گرفت مبنی بر آنکه این دو هواپیما حامل راکت و موشک برای حزب‌الله لبنان هستند. این روزنامه تصریح کرده بود هیچ تجهیزات نظامی در هیچ یک از هواپیماها یافت نشد. به نوشته حریت آنکارا از بیم تاثیر این امر بر روابط دیپلماتیک با ایران درصدد محرمانه نگه داشتن این مسئله بوده است.

خبرگزاری آسوشیتدپرس نیز به نقل از سخنگوی وزارت امور خارجه ترکیه نوشت، ترکیه کشوری است که مراقب است در چارچوب قوانین و توافقات بین‌المللی اقدام کند و این مسئله در همین چارچوب انجام شد. تان گفت که این امر بر روابط با ایران تاثیری نداشته است. این در حالی است که شیمون پرز معاون نخست‌وزیر اسرائیل که برای جلب کمک مالی به منظور بازسازی مناطق آسیب‌دیده از حملات حزب‌الله به شمال اسرائیل، در آمریکا به سر می‌برد می‌گوید امروز نبرد بر سر دو لبنان است: «لبنان ایرانیان و لبنان لبنانی‌ها». شیمون پرز همچنین ایران را متهم به حمایت مالی از حزب‌الله کرد. از سوی دیگر تسپی لیونی وزیر خارجه اسرائیل که برای ملاقات با مقام‌های سازمان ملل متحد در نیویورک به سر می‌برد گفته است: اسرائیل مدارکی دارد که نشان می‌دهد ایران و سوریه مشغول ارسال سلاح برای حزب‌الله هستند. وی همچنین هشدار داد اسرائیل هر نوع کامیون حامل مهمات که از مرز سوریه وارد لبنان شود را بمباران خواهد کرد حتی اگر این اقدام ناقض قرارداد آتش‌بس باشد. از سوی دیگر به گزارش ایلنا شیمون پرز گفت: جهان نباید به ایران اجازه بازسازی لبنان را دهد. هر چند جنگ متوقف شده است، منازعه بر سر مسائلی نظیر بازسازی، بازگشت سربازان ربوده شده و ممانعت از تسلط ایرانی‌ها بر خاورمیانه هنوز ادامه دارد.